

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اکبر نوروزی
۱۹ دسمبر ۲۰۱۹

پیگیری فرخ نگهدار در دفاع از جمهوری اسلامی

اخیراً فرخ نگهدار رهبر سابق سازمان فدائیان خلق (اکثریت) در مصاحبه ای با روزنامه انصاف نیوز به پرسش های این روزنامه که تحت نظارت وزارت اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی بوده و دفاع از سیاست های ارتجاعی رژیم ، جزئی از وظایف این روزنامه می باشد، پرداخته است. در این نوشته به دو مورد از این مصاحبه اشاره خواهد شد. اما قبل از آن لازم می دانم هر چند کوتاه به فعالیت های فرخ نگهدار و حمایت بی چون و چرای او از رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی از بدو به وجود آمدن آن اشاره ای بکنم.

بعد از قیام با شکوه بهمن ماه [دلو] ۵۷ که رژیم دیکتاتوری و وابسته به امپریالیسم شاه توسط خلق های قهرمان ایران، به گورستان تاریخ سپرده شد ، برای مدتی کوتاه توده های مردم نسیمی سرشار از شادی و آرامش را احساس کردند و برآستی آن ها انتظاری جز بهار آزادی را در پس مبارزات قهرمانانه خود نمی دیدند. اما پس از گذشت مدتی کوتاه از قیام بهمن، مردم شاهد سرکوب ها و سیاست های ارتجاعی خمینی و رژیم تازه به قدرت رسیده اش شدند. خمینی که با عوامفریبی و فریبکاری و وعده و وعیدهای بسیاری مانند مجانی شدن آب و برق، برقراری آزادی و دموکراسی در ایران و حتی آزادی بیان برای کمونیست ها و غیره، سعی کرده بود توهمی نسبت به خود برای مردم ایجاد کند، پس از روی کار آمدن رژیمش، سرکوب و دیکتاتوری را تنها پاسخ به خواست های کارگران، زحمتکشان و دیگر توده های مردم قرار داد و به سرکوب انقلاب آنان پرداخت. تا به امروز نیز که چهل سال از حکومت ننگین رژیم جمهوری اسلامی می گذرد، اعمال دیکتاتوری و سرکوب قهر آمیز عمده ترین پاسخ رژیم به توده ها بوده و می باشد.

در مقطع مورد نظر، روند تاریخی دیگری هم شکل گیری خود را بعد از مدت ها پنهان کاری در جامعه نمایان کرد. پس از قیام بهمن ۵۷ و پیروزی توده ها اپورتونیست ها و رفرمیست هایی که در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نفوذ کرده بودند ، مانند فرخ نگهدار و همپالگی هایش ، سکان این سازمان را در دست گرفتند و به تدریج سیاست های واپسگرایانه و فریبکارانه و اپورتونیستی خود را در جامعه ایران به مردم و نیروهای آگاه و انقلابی شناساندند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در سخت ترین شرایط با مبارزه علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و پایگاه داخلی اش در جامعه ایران با رنج و خون بهترین فرزندان این مرز و بوم به وجود آمده بود و به اعتبار صداقت و عملکردهای انقلابی خود از پشتیبانی عظیم توده های مردم در صحنه سیاسی جامعه بر خوردار گشته بود ، با نفوذ

رفرمیست ها و اپورتونیست های خائن بعد از قیام بهمن ، مسیر سازشکاری با جمهوری اسلامی را در پیش گرفت و رهبری آن که فرخ نگهدار در رأسشان قرار داشت، بخش بزرگی از این سازمان را در منجلا ب ضد انقلاب فرو بردند. اگر نگاهی هر چند کوتاه به کارنامه سیاه فرخ نگهدار، این عنصر خائن و منفور که در رهبری سازمان فدائیان خلق (اکثریت) بود ببیندازیم ، خواهیم دید که او در نیمه اول دهه چهل، در مبارزات صنفی دانشگاه شرکت داشته و از آن جا که با گروه رفیق جزئی مرتبط بود، همراه اعضای این گروه دستگیر شد. فرخ نگهدار در سال ۱۳۴۷ در دادگاه به پنج سال زندان محکوم شد ولی او در سال ۱۳۴۹ به دلیل نوشتن ندامت نامه به درگاه شاه در تاریخ چهارم آبان به مناسبت تولد آن دیکتاتور، مورد عفو ملوکانه قرار گرفت و از زندان آزاد شد. همین کارنامه از گذشته فرخ نگهدار آشکارا نشان می دهد که او ربطی به چریکهای فدائی خلق نداشته است. وی صرفاً در شرایط ضعف کامل مرکزیت باقیمانده سازمان پس از ضربه های سال ۵۵ و در شرایطی که رژیم شاه در آستانه سقوط قرار گرفته بود، فرصت نفوذ در آن سازمان را یافت و بعد از قیام ۵۷ در رأس آن قرار گرفت. در این زمان او با کمک همپالگی ها و نیروهای نادان و نا آگاه در درون سازمان، سیاست پشتیبانی و حمایت از جمهوری اسلامی را در پیش گرفت و به این نحو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را به پرتگاه برده و از این طریق چنان ضربه ای به جنبش کمونیستی و جنبش انقلابی توده ها وارد نمود که امروز برای ترمیم آن کاری بس دشوار در پیش است.

اما علی رغم این سابقه تاریخی، امروز رسانه های امپریالیستی در ضدیت با توده های تحت ستم و در جهت تحریف تاریخ، فرخ نگهدار را برای نسل جوان امروز یکی از برپا کنندگان و به وجود آورندگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران جا می زنند، به عنوان یک نمونه رجوع کنید به صدای آمریکا برنامه ای در ارتباط با رستاخیز سیاهکل به تاریخ هشت فبروری ۲۰۱۳. در حالی که فرخ نگهدار نه تنها هیچ گونه نقشی در شکل گیری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نداشته است ، بلکه هیچ ارتباطی هم با این سازمان در دوره ای که چریکهای فدائی خلق جان بر کف علیه رژیم شاه مبارزه مسلحانه می کردند، نداشت.

رفقائی که دست اندر کار بر پائی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بودند از سال ۱۳۴۶ در شرایط اختناق حاکم، به طور مخفیانه به مدت چهار سال به طور سیستماتیک به تحقیق شرایط عینی جامعه و ارائه تحلیل تئوریک از آن پرداخته و موفق به ارائه تئوری انقلاب ایران گشته و بر اساس آن دست به عملیات مسلحانه زدند. توضیح کامل روند طی شده در سایت سیاهکل (<http://siahkhal.com/>) قابل دسترسی است. بر کسی پوشیده نیست که فرخ نگهدار در هیچ کجا و در هیچ مقطع از این روند شکل گیری سازمان وجود نداشته است. در گروه جنگل نیز که در سال ۱۳۴۷ توسط رفقای کمونیست جان بر کف به عنوان بخش دیگری از تشکیل دهندگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به وجود آمد، در آن جا هم هیچ اثر و رد پائی از فرخ نگهدار دیده نمی شود. اساساً فرخ نگهدار هرگز پتانسیل انجام عملیات انقلابی را که رفقای جنگل معرف آن بودند، نداشته است. اما همان طور که اشاره گردید ، امروز رسانه های امپریالیستی مانند بی بی سی ، صدای آمریکا و غیره فرصت یافته اند تا فرخ نگهدار را یکی از پایه گذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران جا بزنند.

فرخ نگهدار این چهره خائن جنبش که در طی چهل سال گذشته مردم مبارز گُردستان ، تُرکمن صحرا و ... را قربانی مسلح شدن سپاه پاسداران به سلاح های سنگین کرد، جز خیانت و فریبکاری، آدم فروشی و غیره کارنامه ای دیگر در جنبش انقلابی مردم ایران ندارد و امروز هم آشکارا به جزئی از نظام حاکم تبدیل گشته است. فرخ نگهدار بعد از قیام بهمن در شرایطی با کمک نیروهای با خط اپورتونیستی در سازمان در رأس آن قرار گرفت که آن ها با قدرتی که آن سازمان پیدا کرده بود از حضور رفقای معتقد به خط اصلی این سازمان در تئوری های تدوین شده توسط رفقا پویان و

احمدزاده، جلوگیری نمودند. این رفقاء هر یک از آگاهی و سواد مارکسیستی قابل توجهی برخوردار بودند. در حالی که امروز یکی از رفقای قدیمی فرخ نگهدار (جمشید طاهری پور) افشاء کرده است که فرخ نگهدار در حالی که در رهبری یک سازمان مارکسیستی قرار گرفته بود، حتی یک کتاب لنین را هم از اول تا آخر نخوانده بود. عین گفته او چنین است: "از جمله مشکلات یکی هم این بود که من به او انتقاد می کردم، که این چگونه دبیر اول بزرگترین سازمان مارکسیست لنینیست ایران است که حتی یک کتاب لنین را از اول تا به آخر نخوانده است" (جمشید طاهری پور - سایت اخبار روز).

با این توضیح کوتاه از فرخ نگهدار و سابقه فعالیت های سیاسی او، اکنون به مصاحبه او که با انصاف نیوز جمهوری اسلامی صورت گرفته است، می پردازیم و همان طور که در بالا اشاره شد، فقط به دو مورد آن اشاره خواهد شد که بیانگر همسویی این فرد با رژیم جمهوری اسلامی و این که او به جزئی جدائی ناپذیر از این نظام تبدیل گردیده است، می باشد. فرخ نگهدار که رسانه های امپریالیستی، آگاهانه و عوامفریبانه او را فعال سیاسی چپ گرا و رهبر سابق سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (نه صرفاً در شرایط بعد از قیام بهمن) می نامند چنین می گوید:

"من همه جا نوشته ام و گفته ام مسئولیت مصائبی که در دهه ۶۰ بر کشورم تحمیل شد ... در وهله آخر به عهده آن بخش از گروه های سیاسی مخالف نظام است که تصورات واهی از توان خود و تناسب قدرت در جامعه داشتند". در رابطه با این سخن قبل از هر بحث دیگری بگویم که کسی که در همان دهه ۶۰ کارش لو دادن بهترین فرزندان و نوجوانان کشور ایران به جمهوری اسلامی و کشاندن آن ها به شکنجه گاه های مخوف این رژیم بود، تا چه حد باید فریبکار و وقیح باشد که کلمه "کشورم" را بر زبان می آورد؟ واقعیت این است که کشور و موطن چنین خائنی شرکت کیسون و شرکت های استثمار گر نظیر آن می باشد که بنا بر گزارشاتی رد پای وی در آن ها دیده می شود. (*) فرخ نگهدار یکی از مهمترین مجرمان سیاسی ایران است که مردم ایران در دادگاه های خلقی پس از سرنوشت جمهوری اسلامی به جنایت ها و خیانت های او خواهند پرداخت.

اگر بخواهیم مصائب دهه شصت را یاد آوری کنیم که جزئی از مهمترین و حساس ترین لحظات تاریخی کشور مان محسوب می گردد، باید به یکی از مهمترین مسائلی که کنفرانس گوادلوپ به آن اختصاص داده شد تأکید شود که همانا خواست امپریالیست ها مبنی بر سرکوب انقلاب ایران توسط رژیم جانشین شاه یعنی جمهوری اسلامی می باشد. این همان طرحی بود که در دهه ۶۰ در دستور کار سردمداران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و به حیطه اجراء گذاشته شد. کنفرانس مزبور به تاریخ چهارم تا هفتم جنوری ۱۹۷۹ (از چهاردهم تا هفدهم دیماه [جدی] ۱۳۵۷) با شرکت رهبران چهار کشور ایالات متحده امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان در جزیره گوادلوپ برگزار گردید. چهار کشور نامبرده در محاسبات خود به این نتیجه رسیدند که با انقلاب ضدامپریالیستی و ضد سلطنتی خلق های قهرمان ایران علیه رژیم شاه، دیگر امکانی برای بر سر قدرت نگه داشتن شاه خائن وجود ندارد. در نتیجه این چهار قدرت بزرگ امپریالیستی با توطئه ها و دسیسه هایی که ذاتی موجودیت امپریالیسم می باشد، قدرت سیاسی را به دار و دسته خمینی که یکی از آلترناتیوهای آنان بوده سپردند تا ضمن سرکوب انقلاب مردم، سیستم سرمایه داری وابسته در ایران را این بار با پوشش مذهبی حفظ و تداوم دهند. سیستم وابسته ای را که امپریالیست ها از آن طریق بیشترین سود را به قیمت تشدید فقر و فلاکت توده ها نصیب خود می سازند.

در این جا افشای مذاکرات خمینی و اطرافیانش از جمله قطب زاده، بنی صدر و یزدی در نوفل لوشاتو با رمزی کلارک و مأموران امریکائی و نامه شخصی خمینی به کارتر، که آنان سه شرط امریکا در جهت به قدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی را پذیرفتند، باید حتماً مورد تأکید قرار گیرد. این سه شرط عبارت بودند از ۱- حفظ ارتش بیهوده

نمود که در روزهای آغاز قیام، ناگهان شعار ارتش برادر ماست، خمینی رهبر ماست در جریان تظاهرات آن روزها شنیده شد. ۲- تولید و صدور نفت، که باید مانند سابق ادامه داشته باشد. در آن زمان کارگران شرکت نفت در اعتصاب بودند و با بستن لوله ها، جریان نفت را به روی امپریالیست ها بسته بودند. ۳- سرکوب و از بین بردن کمونیست ها و همه آزادیخواهان.

پس خلاف گفته ها و نوشته های فرخ نگهدار که مصائب و مشکلات دهه ۶۰ را بر دوش نیروهای مخالف (مبارز) جامعه می اندازد و آب به آسیاب جمهوری اسلامی و امپریالیسم می ریزد، سیاست کشتار و سرکوب توسط رژیم جمهوری اسلامی از بدو به وجود آمدن این رژیم به وسیله اربابان شان در دستور کار این رژیم قرار گرفته بود و این رژیم جمهوری اسلامی بود که با برپائی حمام خون در دهه ۶۰، جامعه ایران را دچار مصیبت های زیادی کرد. مصیبت هایی که ننگ آن از پیشانی جمهوری اسلامی نه با تلاش فرخ نگهدار و نه هیچ تلاش مذبوحانه دیگری، پاک شدنی نیست. امروز فرخ نگهدار که به عنوان منفورترین چهره تاریخ معاصر ایران شناخته شده، در صدد تحریف تاریخی وقایعی برآمده که هنوز انسان های بسیاری از دهه شصت شاهدان عینی آن ها بوده و هستند.

انسان های جان به در برده از کشتارهای دهه ۶۰ جمهوری اسلامی که در افشای تحریف تاریخ از طرف خائنان به مردم ایران هر روز صدای فریاد و اعتراض خود را به گوش مردم ایران و به خصوص نسل جوان می رسانند. این هم گفته شود که قبل از آن که اعدام های دهه شصت صورت بگیرد، رژیم به خلع سلاح توده های قیام کننده و بازسازی ارتش پرداخت. این ارتش هنوز کاملاً بازسازی نشده بود که در همان بهار آزادی سنج را به خاک و خون کشاند، آن هم درست وقتی که مردم با شدت و حدت تمام خواهان تحقق مطالبات خود بودند. کشتارهای خلخالی در کردستان - ترور وحشیانه رهبران ثرکمن صحرا - بستن دفاتر و روزنامه های علنی - حمله به ستاد سازمان های سیاسی، فجایع قبل از دهه شصت بودند و به طور کلی صدها سند تاریخی وجود دارند که جنایات تاریخی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی در آن ها به ثبت رسیده اند. در نتیجه نمی توان فجایع به وجود آمده در دهه ۶۰ توسط جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم را از گرده جمهوری اسلامی برداشت و بخشی از آن را بر گرده نیروهای مبارز مخالف این رژیم انداخت.

مورد دوم در مصاحبه انصاف نیوز وابسته به رژیم جمهوری اسلامی با فرخ نگهدار که در این جا مورد بحث من می باشد، این است که فرخ نگهدار، حق فعالیت آزادانه و آزادی بیان همه نیروهای سیاسی در رسانه ها را در "چارچوب قانون اساسی" از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی خواستار گردیده است.

فرخ نگهدار چنین می گوید: "من حکومت را موظف می دانم حق فعالیت آزادانه و آزادی بیان همه نیروهای سیاسی در رسانه ها را در چارچوب قانون اساسی و حق گفت گو در رسانه ها را برای همه گرایش های سیاسی تضمین کند. ایران متعلق به همه ایرانیان است. تفاوت ها باید به رسمیت شناخته شود. بحث ها در این بُره حساس، روی چگونگی پاسداری از منافع مردم و کشور متمرکز گردد."

واقعیت این است که ضرورت تدوین قانون اساسی، به وسیله خمینی و یارانش در پاریس مطرح گردید و در همان جا پیش نویس اولیه قانون اساسی تهیه گردید. این پیش نویس با اصلاحاتی در آذر ماه سال ۵۸ در میان مخالفت نیروهای مترقی و انقلابی جامعه، توسط خود دست اندرکاران رژیم جدید به تصویب رسید. با نگاهی بسیار کوتاه به قانون اساسی جمهوری اسلامی، بخوبی می توان حلقه های استبداد را در ساختار این قانون اساسی تشخیص داد. به عنوان مثال در اصل چهارم این قانون چنین آمده است: "کلیه قوانین و مقررات مدنی - جزائی - مالی - اقتصادی - اداری - فرهنگی - نظامی - سیاسی - و غیر این ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد." معنای موازین اسلامی هم امروز بر همه

مردم تحت ستم ایران آشکار است و تاریخ چهل ساله این حکومت ننگین با کشتار – اعدام – زندان – دزدی فساد و قطع دست و قصاص و... بیانگر آن است.

امروز به خصوص پس از قیام های توده ئی دیمه[جدی] ۱۳۹۶ و مبارزات قهر آمیز توده ها با شعار نان، کار، آزادی در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی برای همگان آشکار گشته است که اکثریت جامعه به جز سرسپردگان و کسانی که منافع شان در گرو وجود این رژیم منفور می باشد، خواهان بی چون و چرای سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می باشند. تضادهای طبقاتی که انعکاس خود را در بطن جامعه در گسترش مبارزات توده ها، در گسترش اعتصابات کارگری به اشکال مختلف، در گسترش مبارزات دست فروشان و در میان افشار پائینی جامعه نشان می دهند، سیر صعودی خود را طی می کند تا به نقطه جهش برسند. در چنین شرایطی است که فرخ نگهدارها و... از ترس انقلاب توده ها که خواهان سرنگونی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی باشند، همچون بقیه اصلاح طلبان حکومتی از حق فعالیت آزادانه در چارچوب قانون اساسی سخن می گوید، آن هم با توجه به ماهیتش، تنها برای این که مرتجعی چون خود او بهتر بتوانند توده ها را به مسیر های انحرافی بکشانند و چند صباحی دیگر بتوانند بر عمر رژیم بیفزایند. از طرف دیگر در چنین شرایطی است که نیروهای دلسوز طبقه کارگر و همه توده های تحت ستم ایران باید تبلیغ و ترویج اندیشه های انقلابی را وظیفه تخطی ناپذیر خود دانسته و در حالی که به افشای تبلیغات عناصر ضد انقلابی چون فرخ نگهدار می پردازند به افشاء و روشنگری در مورد تفکرات اپورتونیستی نیز اقدام کنند. انجام این کار ها بیشک در خدمت تسهیل مبارزات مردم قرار دارد. بدون هیچ گونه تردیدی، سرانجام توده های مبارز ایران، کلیت رژیم جمهوری اسلامی را مانند رژیم شاه به گورستان تاریخ خواهند سپرد.

زیر نویس:

(*) اگر در اینترنت در باره شرکت کیسون جست و جو کنید، به چنین اطلاعاتی دست خواهید یافت: "نکته قابل توجه در مورد شرکت کیسون، نسبت مدیران آن با یکی از فعالان شناخته شده سیاسی خارج از ایران است. رئیس هیأت مدیره و بنیان گذار کیسون محمدرضا انصاری، دای "فرخ نگهدار" از رهبران سازمان فدائیان خلق ایران است و فرهاد نگهدار برادر وی و از اعضای پیشین این سازمان نیز مدیر عامل شرکت تولید مصالح ساختمانی "ویما" است که از شرکت های اصلی زیر مجموعه کیسون به شمار می رود. آن گونه که منابع وابسته به بخش انشعابی سازمان فدائیان خلق ادعا می کنند، خود فرخ نگهدار نیز در کیسون فعال است و بر امور خارج از ایران این شرکت نظارت می کند". همچنین در ویکی پدیا در مورد این شرکت چنین نوشته شده است: "کیسون از شرکت های بزرگ ساختمان سازی ایران است. این شرکت هفت بار در سال های ۱۳۷۹، ۱۳۸۷، ۱۳۸۶، ۱۳۸۰، ۱۳۸۸، و ۱۳۸۹ به عنوان صادر کننده نمونه خدمات فنی و مهندسی در ایران انتخاب شده و در سال ۲۰۱۵ در زمره ۱۰۰ پیمانکار برتر جهان قرار گرفته است. کیسون در سال ۱۹۷۵ تأسیس شده است این شرکت در ونزوئلا ۱۰ هزار واحد مسکونی ساخته است. کیسون در بلا روس پروژه های ساختمانی اجرا می کند. رئیس هیأت مدیره شرکت کیسون محمدرضا انصاری است".

آبان[عقرب] ۱۳۹۸